

تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری^۱

کیومرث ایراندوست^۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان، گروه شهرسازی
محمدحسین بوجانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی
روح‌الله تولایی - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۲۷

چکیده

دوران جدید توسعه جوامع، با پدیده بهبود شاخص‌های بهداشتی و زندگی و شتاب یافتن رشد جمعیت در سراسر جهان همراه بوده و همزمان زمینه‌ها و انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی و عوامل جابجایی جمعیت بسیار گوناگون و مهاجرت به مثابه انتخابی آسان‌تر از همیشه نمودار شد؛ از این رو مهاجرت به عنوان یک مشخصه بارز و یک ضرورت، در همه کشورها و در تمام سطوح نمایان شد که در بیشتر موارد گریز از آن نه ممکن بوده است و نه عقلانی. بیشتر نظریه‌پردازی‌ها درباره گسترش شیوه تولید سرمایه‌داری و ادغام ایران در نظام جهانی سرمایه‌داری، به ویژه در ارتباط با اقتصاد سیاسی نفت و گذار کشور به دوران نوین و عمدتاً درباره اهمیت مهاجرت‌های روستاشهری صورت گرفته است. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات اسنادی در پی تحلیل و ارزیابی وضعیت و دگرگونی روند مهاجرت‌های داخلی کشور و تحولات اساسی به ویژه در دهه اخیر است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه مبحث مهاجرت و گسترش شهرنشینی ناشی از مهاجرت در دو دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ بسیار پررنگ‌تر بوده و بیشترین تحولات اجتماعی - سیاسی کشور در دو دهه ۵۷-۱۳۵۵ روی داده است، اما بیشترین مهاجرت در میان جمعیت کشور به دهه ۵۷ تا ۵۸ مربوط می‌شود. این تحول مسلماً پیوندی عمیق با مسئله شهرنشینی و گسترش الگوی سکونت و زندگی شهری دارد. در واقع دهه‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، به دلیل تحول ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور و آغاز روند مهاجرت شهری و روستایی شتابان، دوره‌ای تعیین‌کننده به حساب می‌آید، اما دهه ۵۷ تا ۵۸ از نظر حجم و روند مهاجرت‌ها منحصر به فرد بوده است. از سوی دیگر این دهه با دگرگونی الگوی مهاجرت نیز همراه بوده که با توجه به افزایش جمعیت و تعداد شهرها، الگوی مهاجرت شهر به شهر در حال افزایش بوده و تبدیل به الگوی مسلط مهاجرت شده است؛ به نحوی که امروزه مهاجرت شهر به شهر الگوی اصلی مهاجرت کشور به شمار می‌رود. این الگو از لحاظ جغرافیایی تحت تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای و جذابیت اقتصادی و اجتماعی شهرها و دگرگونی در مزیت‌های نسبی شهرها در حال تحول است. این پژوهش نشان می‌دهد که در ۵۱ سال اخیر، میزان مهاجرت‌های شهر به شهر بین استانی، به تدریج روبه کاهش بوده است و مهاجرت‌های شهر به شهر بیشتر به ابعاد فاصله‌ای کم و درون منطقه‌ای متمایل شده‌اند. مهاجرت روستا به شهر، سهم کمتری از مهاجرت کل را داشته که بیشتر در ابعاد درون شهرستان رخ داده که این الگو فزونی محسوسی در چند ساله اخیر داشته و در مقابل مهاجرت روستا شهری بین استانی کاهش قابل توجهی داشته است. در مجموع مهاجرت در سال‌های اخیر ضمن گرایش بیشتر به الگوی شهر به شهر، بیشتر به مهاجرت کوتاه و درون استانی متمایل شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، الگوی مهاجرت، مهاجرت روستا-شهری، توسعه شهرنشینی.

۱۰۵

شماره ششم

بهار ۱۳۹۲

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات

شهری

تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور

با تأکید بر مهاجرت‌های شهری

کیومرث ایراندوست

محمدحسین بوجانی

روح‌الله تولایی

۱ این نوشتار برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان "تحلیل و ارزیابی دگرگونی مهاجرت‌های داخلی کشور" است که برای کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام گرفته است.

۲ نویسنده مسئول مقاله، k.irandoost@uok.ac.ir

۱. مقدمه

از دیرباز یکی از واکنش‌های معمولی انسان به شرایط زندگی و راه‌های تلاش برای بهبود شرایط، جابجایی مکان زندگی و مهاجرت بوده است. مهاجرت در حقیقت واکنش و تصمیم فرد یا خانواده برای تغییر شرایط است که غالباً یکی از بزرگترین تجارب و تصمیم‌گیری‌های زندگی است. اگرچه ممکن است مهاجرت در موارد نادری یک تصمیم آنی و احساسی بوده باشد، اما در شکل سنتی و یا نوین آن عموماً تصمیمی عقلایی و با ارزیابی شرایط و مقایسه شرایط مبدا و مقصد بوده است. امروزه با آسان شدن ابزار و شرایط سفر و ارتباطات، مهاجرت (داخلی و خارجی) بیش از هر زمانی آسان‌تر شده است، به نحوی که مهاجرت به تجربه یک-باره و حتی چندباره زندگی بیشتر افراد تبدیل شده است. مهاجرت در هر شکل و با هر انگیزه و یا نتیجه‌ای، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی را در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به دنبال دارد، از این رو همواره از سوی دولت‌ها به مثابه مسئله‌ای پیچیده نگریسته شده و در مدیریت و سیاست‌گذاری در کانون توجه قرار داشته است. عموماً ریشه و سرچشمه مسائل و مشکلاتی چون توسعه شهرنشینی، ایجاد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، بزه و ناهنجاری‌های شهری، نابرابری‌های منطقه‌ای، مشکلات گوناگون تراکم جمعیت در شهرها و حتی ناتوانی شهرها در ایجاد یک مدیریت و حکمروایی شایسته، به مهاجرت نسبت داده می‌شود. به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها، مسئولان و تصمیم‌گیران، مهاجرت را مسئله‌ای کلیدی در سیاست‌گذاری قلمداد کرده و به مثابه پایه اساسی ساماندهی امور و به ویژه کاهش مشکلات شهری می‌نگرند. این پژوهش در پی آن است که با بررسی آمار و اسناد موجود، وضعیت کنونی مهاجرت و روندها و دگرگونی الگوی مهاجرت در کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این نوشتار، مهاجرت، مجموعه جابجایی جمعیت در درون مرزهای سیاسی داخلی و سرزمینی در نظر گرفته شده است.

۲. مسئله مهاجرت

سالانه میلیون‌ها نفر به دلایل گوناگونی در عرصه‌های مختلف جغرافیایی جابجا می‌شوند و از روی اجبار یا اختیار محل زندگی و سکونت خود را تغییر می‌دهند. جابجایی مکان زندگی یا مهاجرت، امروزه به جزو جدایی‌ناپذیر زندگی بیشتر ساکنان جهان بدل شده است (Seabrook, 2007:44). در چنین شرایطی، مهاجرت چه به لحاظ حجم جابجایی‌های جمعیتی و چه از نظر رفتاری‌های شهرنشینی جدید، آثار منفی کوتاه‌مدتی را به همراه داشته (پیتیه، ۱۳۶۹: ۲۹-۲۸)، که در بسیاری از کشورها از جمله ایران در سیاست‌های ضد شهری منعکس شده است، به نحوی که تا مدت‌ها به جای درک واقعیت مهاجرت و شهرنشینی، به مخالفت و ضدیت ناکارآمد و منفعلانه‌ای در این زمینه روی آورده شد (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰). این در حالی است که مهاجرت به مثابه یک انتخاب زیرکانه و غالباً، ناگزیر برای ارتقا و بهبود شرایط زندگی در هر سطحی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. همان‌گونه که روانشناسان اظهار می‌کنند، «مهاجرت یعنی زندگی

و پیشرفت يك جمعیت ببحرکت راکد»، میزان و نرخ گوناگون مهاجرت به حالت پیشرفت در یک کشور و با یک حوزه بستگی دارد (لهسانی زاده، ۱۳۶۸: ۷۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت تصمیم و اقدامی عقلایی و ناشی از خرد حسابگر بشر است و به هیچ‌وجه «رفتار گله‌ای» غریزی نیست. در حقیقت مهاجرت روستا شهری نتیجه ارزیابی عقلایی حساب شده روستاییان از وضعیت جاری آنهاست و یک ارزیابی مناسب از فرصت‌هایی است که در جای دیگر پیش‌رو دارند (دوسوتو، ۱۳۸۵: ۱۱۴). از سویی مهاجرت محصول گریزناپذیر انتقال از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی است و فرآیندی تجربه شده در تمام کشورهایی که این فرایند را به شکلی گریزناپذیر طی کرده‌اند (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۴)، از این رو ضروری است که نگرش مدیریت به این پدیده، مثبت و سازنده‌تر و از دیدی اصلاحی باشد و در برنامه‌ریزی فضایی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

شهرنشینی و مهاجرت دو همزاد و مترادف در متون و نظریه‌های مهاجرت به شمار می‌روند و از این نظر پیوند زیادی میان نظریه‌های شهرنشینی و مهاجرت وجود دارد. شهرنشینی معاصر همزمان بود با تحول بنیادی در ساختار سکونتی و اجتماعی انسان که از انقلاب صنعتی ریشه گرفت و مهاجرت نکته محوری آن به شمار می‌رود. واقعیت این است که در ساختار جدید اقتصاد جهانی، مرحله نوینی از تمدن بشری که دیگر تولید و مازاد تولید نه به مفهوم سنتی آن برآمده از زمین و کشاورزی، بلکه ناشی از فعالیت صنعتی، تجاری و خدماتی بود، شکل گرفت که در این ساختار جدید، این شهر است که نقش اصلی نقاط تمرکز سرمایه و بازتولید سرمایه را ایفا می‌کند.

در سال ۲۰۰۷ برای نخستین بار در تاریخ توسعه شهری بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها ساکن شد (Martinez, 2008:85) و این در حالی است که در این روند افزایشی، کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته سهم برابری ندارند و تقریباً نزدیک به ۹۰ درصد این جمعیت به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه تعلق داشت (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳). این فرایند افزایش نسبت شهرنشینی و بر هم خوردن توازن جمعیت شهر-روستا را تقریباً در همه کشورها به همراه داشته که بیشتر ناشی از مهاجرت و جابجایی جمعیت بوده است.

بخش عمده‌ای از مهاجرت‌ها در ابعاد داخلی و در چارچوب مرزهای داخلی کشورها صورت گرفته که در مقایسه با مهاجرت بین‌المللی آسان‌تر بوده و از موانع اقتصادی و اداری و سیاسی کمتری برخوردار بوده است. جریان‌های مهاجرت داخلی در زمینه‌های مقصد، ترکیب جمعیتی و مدت، متنوع و پیچیده هستند. به دلیل تفاوت‌ها و نابرابری‌های فزاینده منطقه‌ای، مهاجرت‌های شغلی کوتاه مدت نیز روندی افزایشی داشته و مهاجرت روستا-شهری در اغلب مناطق آسیا سرعت گرفته است (Deshingkar, 2008: 1-2).

اینکه چرا مهاجرت شکل می‌گیرد و دلایل و نتایج آن کدامند، بحث پردامنه‌ای است که در چند دهه گذشته بر ابعاد و دامنه آن هر چه بیشتر افزوده شده است. واقعیت این است که در همه کشورها، مهاجرت نشان دهنده ظرفیت‌ها و توان مکان در جذب

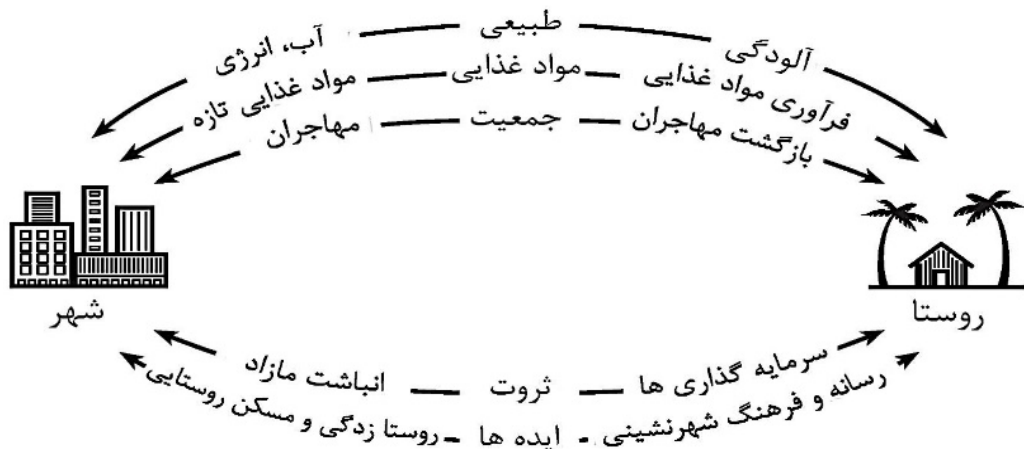
و یا نگاهداشت جمعیت است (Parnwell, 1993: 23). مهاجرت به مثابه یک فرآیند می‌تواند ناشی از تنگنانهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های گوناگون موجود در مراکز شهری بستگی داشته باشد (سجادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۷). خانوار و یا افراد روستایی به تبعیت از وابستگی اقتصادی و سیاسی روستا به شهر و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی اجتماعی موجود در شهرها، در شرایط مختلف به شهر مهاجرت می‌کنند. مهاجران برای برخورداری و استفاده بیشتر از تسهیلات رفاهی معیشتی به مراکز شهری مهاجرت کرده و عموماً با دستیابی به رفاه اجتماعی نسبی برای همیشه در این سکونتگاه‌ها ماندگار می‌شوند. پس در پی گسترش ارتباطات روستا شهری و افزایش تماس میان ساکنان این دو کانون سکونتگاهی، روستاییان با نیازهای جدید اقتصادی و فرهنگی روبرو می‌شوند که این نیازهای اجتماعی- اقتصادی در اغلب موارد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌گردد، از این رو با وجود نابرابری میان جوامع روستایی و شهری و سکونتگاه‌ها، مهاجرت میان سکونتگاه‌ها همواره ادامه خواهد داشت (UN-HABITAT, 2011: 112).

در زمینه دلایل مهاجرت و به دنبال آن راهکارهای مواجهه با پدیده مهاجرت روستایی، تأکید بیش از حدی بر مسئله اقتصادی توسعه و درآمد در مناطق روستایی شده است. واقعیت این است که پدیده مهاجرت از ساختار و سازوکار پیچیده‌ای برخوردار است و تفسیر آن تنها با متغیرهایی چون درآمد و یا اشتغال ممکن نیست. فقر و درآمد از جمله عواملی است که در مسئله مهاجرت، کارکردی دوگانه داشته و چنان نیست که تنها با ایجاد سطحی از درآمد در نواحی روستایی مسئله مهاجرت حل شده باشد. اگرچه سطح و دامنه‌ای از فقر وجود دارد که پایین‌تر از آن مهاجرت مقدور نیست و مهاجر نیاز به امکاناتی برای مهاجرت و اقامت دارد، اما کاهش فقر با کارکردی متضاد می‌تواند خود به عامل مهاجرت بدل شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد، افزایش درآمد روستایی انگیزه‌ای برای مهاجرت به شمار می‌رود و افراد تحصیل کرده‌تر جامعه بیشتر مهاجرت می‌کنند و ثروتمندترین‌ها توان بیشتری برای تحصیل و گسیل فرزندان به مدرسه را دارند؛ بنابراین ثروتمندترها بیشتر مهاجرت می‌کنند. اولین مهاجران عموماً از میان نخبگان

اقتصادی و اجتماعی محل هستند و تا حد زیادی هم می‌توان گفت که فقیرترین‌ها معمولاً مهاجرت نمی‌کنند یا توان آن را ندارند (اسکلدون، ۱۳۸۰: ۱۱۵). به گفته بن دیوید وال، شاید در نگاه نخست طنزآمیز باشد که از نظر تاریخی، مردم هرچه بیشتر از زراعت خود سود برده‌اند، به همان اندازه از وابستگی نسبی اقتصاد نواحی روستایی به سود سایر فعالیت‌ها کاسته شده است. با دسترسی بیشتر به بودجه‌های قابل استفاده در سرمایه‌گذاری، آنان به دنبال فرصت‌های بیشتر و متنوع‌تر در بازار می‌پردازند تا بتوانند کسب درآمد افزون‌تر داشته باشند (بن دیوید وال، ۱۳۷۴: ۲۶).

در مجموع فرآیند تحول، شهرها با توجه به صرفه‌های ناشی از مقیاس، بسته به توان تمرکز سرمایه و تولید، رشد فرآیندهای را تجربه کردند و با منطقی اقتصادی، تمرکز نیروی انسانی را ایجاد کردند؛ از دیدگاه اقتصاد نواحی روستایی به طور کلی شهرها به عنوان مرکز بازار تجاری، نقشی محوری در تقویت و دوام کشاورزی و گسترش آن، ایجاد پایگاهی برای تنوع فعالیت اقتصادی ناحیه و فرآیند ازدیاد درآمد ناحیه دارند. شهرها به مثابه مراکز تجارت محلی و منطقه‌ای نخستین ابزار افزایش درآمد و تأمین معاش شمار زیادی از مردم روستایی ناحیه هستند (بن دیوید وال، ۱۳۷۴: ۳۷). بنابراین کاملاً منطقی است که شهر با ایجاد ارزش افزوده و مازاد تولید بیشتر و مداوم، مکان تمرکز جمعیت و سرمایه شود و هر چه شهر بزرگتر باشد، منطق این تمرکز نیز افزایش می‌یابد. از این رو شهرها در سلسله مراتبی (منظم یا نامنظم) سازمان یافته‌اند که شهرهای بزرگ در رأس و شهرهای کوچک در مراتب پایین‌تر قرار گرفته‌اند که عموماً مهاجرت سلسله مراتبی از شهرهای پایین به بالا در جریان است. اغلب جایگاه هر شهر در نظام شهری و سلسله مراتب شهری نشان دهنده جایگاه آن در نظام اقتصادی کشور و جهان است و بسته به این جایگاه ظرفیت‌های متفاوتی را برای جذب جمعیت جدید بروز می‌دهد (تامپتا و هایپاشی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). از این رو سکونتگاه‌های کوچک و کم جمعیت ظرفیت نگاهداشت جمعیت کمتری را دارند و به دلیل درآمد پایین در این شهرها، توان جذب نیروی تحصیل کرده و متخصص ضعیف است و در برخی کشورها بررسی‌ها نشان داده که انگیزه سرمایه‌گذاران نیز برای سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک بسیار ناچیز است (LI, 2010).

نمودار ۱: برهم خوردن چرخه تعاملات شهر و روستا



.Source: Lynch, 2005: 6

واقعیت این است که امروزه مهاجرت بیشازپیش به امری آسان و گاه گریزناپذیر بدل شده است. با توجه به کوچک شدن مقیاس زمانی دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در عرصه های بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی، زمینه ها و انگیزه های جابجایی جمعیت هر چه بیشتر شده است. جمعیت بنا بر تغییر شرایط به دنبال شرایط بهتر جابجا می شود که بدون تردید اقتصاد به مفهوم عام نقش تعیین کننده را در این زمینه ایفا می کند.

۳. نظریه های مهاجرت

در سده گذشته، نظریه پردازی در مورد علل و دلایل مهاجرت از سوی نظریه پردازان رشته های مختلف به ویژه در حوزه علوم اجتماعی و جامعه شناسی مطرح شده که به اشکال مختلف دسته بندی شده است (جدول ۱)؛ نظریه ها عمدتاً بر محور علل، فرایند، ساختار و نتایج مهاجرت پرداخته شده اند. ارنست جورج راونشتاین از نخستین کسانی بود که سعی کرد تا تبیینی نظری درباره قانون مندی های مهاجرت روستا - شهری ارائه دهد، او با عنوان «قوانین مهاجرت» در طی مقاله ای که در سال های ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ در مجله انجمن سلطنتی به چاپ رساند، استدلال کرد که مهاجرت یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است و در آن اقتصاد به مثابه عامل اصلی مورد توجه است (قاسمی اردهائی و دیگران، ۱۳۸۷). اورت اس. لی با نقد نظریه راونشتاین، نظریه جدیدی در این زمینه ارائه داد. وی برای نخستین بار مهاجرت را در چارچوب کشش-رانش فردی تحلیل کرد که بر جذب و دفع مهاجر در مکان و یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت توجه داشت. وی به این نتیجه تأکید کرد که با افزایش، تنوع مهاجرت نیز افزایش می یابد. او در مجموع یک دسته بندی از عوامل مؤثر بر مهاجرت ارائه کرد که تا حد زیادی سازوکارهای معمول را نادیده گرفته بود (Hagen-Zanker, 2008:9).

مایکل تودارو یکی از مشهورترین نظریه پردازان بحث مهاجرت است که بحث اساسی وی پیرامون مهاجرت روستا شهری است. فرض اصلی تودارو که در قالب یک مدل ارائه شد، این است که فرد بر مبنای هدف اقتصادی بیشتر شدن «درآمد ممکن» تصمیم به مهاجرت می گیرد و با آن صرف نظر می کند؛ در مدل تودارو مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می گیرد تا درآمد واقعی. در این تصمیم گیری دو عامل اقتصادی نقش دارند: نخست تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستاست و دومی که مهم تر است، میزان احتمال موفقیت یک مهاجر در یافتن شغل و یا شغلی بهتر و با درآمد بیشتر در شهر است (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۲). از نظر تودارو گام مهم در شناسایی پدیده مهاجرت، شناسایی اقتصاد و سیاست اجتماعی می باشد که بر درآمد در روستا و شهر اثر می گذارد که این خود از عوامل مهاجرت به حساب می آید. سیاست های اقتصادی چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر جریان مهاجرت اثر گذارند. که از آن جمله می توان به مالیات، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه، سیاست های تجاری و نرخ مبادله، برنامه های سرمایه گذاری عمومی، ارتباط با سرمایه گذاران خارجی، ساختار، محتوا و جهت گیری نظام آموزشی،

عملکرد بازار کار و انتقال بین المللی داده و موقعیت صنایع جدید اشاره نمود (Todaro, 1997:27).

در مجموع در بیشتر نظریه های مهاجرت، تلاش برای یافتن شرایط بهتر و زندگی بهتر، انگیزه اصلی مهاجرت به شمار می رود و تفاوت های مکانی در بر دارنده این شرایط، انگیزه اصلی تصمیم فرد و گروه های اجتماعی در ترک دیار و رو نهادن به یک مکان جدید است که این تفاوت ها ریشه عمیق در شرایط اقتصادی دارد. در واقع انجام مهاجرت عدم رضایت از امکان زندگی و درک اختلاف های فضایی اعم از اقتصادی - اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی است (صرافی، ۱۳۸۱: ۷).

۴. مهاجرت در ایران

چند دهه گذشته در تاریخ ایران، دگرگونی ژرف ساختار اجتماعی و نیروهای تولید، زمینه ساز اصلی مهاجرت بوده است. در فاصله نسبتاً کوتاهی روند چند هزار ساله زندگی اجتماعی دچار دگرگونی و تحولات چشمگیری شد؛ اگرچه این تحولات در سراسر جهان به صورت مشترکی نمودار شد، اما ایران با سابقه تاریخی ویژه و اقتصاد سیاسی جدید خود، تفاوت های قابل توجهی را طی کرده است (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۲۷). مسئله مهاجرت به مفهوم امروزی آن از دوره پهلوی نخست در ایران روند فزاینده خود را آغاز کرد. این دوران مصادف شد با رشد و گسترش روابط سرمایه داری و مدرنیزاسیون، همگام با افزایش نقش نفت در اقتصاد سیاسی ایران (کاستللو، ۱۳۷۱: ۹۵)، تغییر الگوی مصرف، یکپارچگی بازار، ایجاد زیربنای ارتباطی، ایجاد صنایع اولیه، مازاد اقتصادی، بهره کشی، هم آمیختگی شیوه های تولید، حجم مازاد نیروی کار و وابستگی کشاورزان به پول، روستاها را نیز به دایره تحولات کشاند و بیشترین روند جابجایی جمعیت کشور آغاز شد (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۵). در این دوران همگام با روند نوسازی، تصویب قوانین جدید زمینه های اولیه مهاجرت را تقویت کرد. برای نمونه یک جانشین کردن عشایر همراه با اجباری شدن نظام وظیفه سربازی، اجبار تحصیل فرزندان در مدارس ابتدایی و راه اندازی ادارات و سازمان های دولتی (کاستللو، ۱۳۷۱: ۹۵) زمینه های مهاجرت را تشدید کرد.

بعد از سقوط رضا شاه و اشغال کشور به وسیله متفقین (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴) رکود اقتصادی بر کشور ایران حاکم شد و قحطی و شیوع امراض، مملکت را دچار وضع وخیمی ساخت (قدیری معصوم، ۱۳۸۷: ۶۹). در این دوره ایلات و عشایر از نو قدرت گرفتند و حکومت مرکزی مجدداً تضعیف شد و ظهور جنبش های محلی و همچنین بحران های سیاسی، مشکلات اقتصادی فراوانی را موجب شد (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۵). علاوه بر این مالکان روستاها و کسانی که به اصطلاح تأمین کننده امنیت و قدرت مالی برای گردش چرخ کشاورزی بودند، با به هم خوردن اوضاع کشور و عدم امنیت جانی در پی اشغال نظامی، پراکنده و متواری شدند. در نتیجه این عوامل، زمینه های مهاجرت قسمتی از جمعیت روستایی به شهرها تقویت شد. در این میان روند تمرکزگرای برنامه ریزی در کشور به تبدیل شهرها به نقاط جذب

جدول ۱: نظریه‌های مهاجرت و عوامل مهاجرت

ردیف	عامل	نظریات کلاسیک	نظریات مکتب تضاد	نظریات سیستمی
۱	آزادی تحرک	نسبتاً آزاد، داوطلبانه	اجبار، محدودیت‌ها و تنگناهای سکونت و شغلی	تطابق با تحولات اقتصادی-اجتماعی
۲	ماهیت تصمیم‌گیری	عقلایی، موازنه هزینه‌ها و منابع، از نواحی کمتر توسعه یافته به نواحی بیشتر توسعه یافته	تهدید، فشار سیاسی و اقتصادی	علل چندگانه، فشار نسبی
۳	جهت و علت	جاذبه قوی‌تر از دافعه	دافعه قوی‌تر از جاذبه	پخش، سازگاری، انطباق
۴	نتیجه در مقصد	جذب یا حل در نظام ارزشی مسلط	رقابت، جدایی، تبعیض	جمع‌گرایی واقعی، انطباق چند فرهنگ
۵	تحرک یا قشر بندی اجتماعی	تحرک اجتماعی و اقتصادی ماریپیچ	قشر بندی متبلور، از خود بیگانگی	همگرایی اجتماعی، همزیستی مکانی
۶	فرصت‌های منتجه	عدم وابستگی، برابری فرصت بهبود	قطعه قطعه شدن، استثمار، وابستگی	تنوع، وابستگی متقابل
۷	ساخت اقتصادی، اشتغال	بیکاری (انحراف موقت)	حاشیه‌ای (خصیصه ساختی)	بیکاری (نشانه تحول اساسی)
۸	جهت‌گیری منابع	استفاده از منابع موجود	استعمار جدید، استعمار داخلی	خودکفایی، حفاظت در مقابل حقوق متقابل
۹	نمونه‌هایی از نظریه‌پردازان	راونشتاین (۱۸۸۵) منگلام و شوارزولر (۱۹۶۸) پیترسن (۱۹۶۵) لی (۱۹۶۹) پریس (۱۹۶۹)	مارکس (۱۸۵۳) کستلس و کوساک (۱۹۷۳) رکس (۱۹۷۳) نیکولیناکوس (۱۹۷۵) والرشتاین (۱۹۷۸)	موبوگنج (۱۹۷۰) واردول (۱۹۷۷) رولند (۱۹۷۷) ریچموند و ورما (۱۹۷۸)

منبع: اصلانی، ۱۳۸۵: ۵۴.

و تمرکز جمعیت کمک کرد. به این ترتیب برنامه‌ریزی متمرکز در ایران از سال ۱۳۲۷ با تهیه اولین برنامه (۳۴-۱۳۲۷) شروع شد (سعیدنیا، ۲۰۲۲). با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷، اندیشه برنامه‌ریزی جامع به کمک مشاوران خارجی در ایران صورت عملی به خود گرفت. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی نقش مهم‌تری به دست گرفته و مجری تام و تمام برنامه‌های عمرانی بود. برنامه‌های عمرانی اهرم اصلی نوسازی و توسعه اقتصادی گردید (قدیری معصوم، ۱۳۸۷: ۶۹). بنا به تخمین، نرخ مهاجرت روستایی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱، ۱/۰۵ درصد بوده است و متوسط تعداد مهاجرین هر ساله در دوره فوق حدود ۱۵۳ هزار نفر بوده است. در این دوره به تقریب حدود ۹۱۸ هزار نفر از طریق مهاجرت روستایی به جمعیت شهری کشور افزوده شدند (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۶). با انجام اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و از میان رفتن نهادهای اصلی اربابی، زمینه برای گسترش روابط سرمایه‌داری آماده‌تر شد. در واقع اصلاحات ارضی نخستین گام اساسی در راه پراکنده کردن، وسعت بخشیدن و تعمیق روابط سرمایه‌داری در سطح ملی به شمار می‌رود. اصلاحات ارضی موجب شد، این رابطه در ژرفای روستاها و در میان ایلات و عشایر منتقل شود (سوداگر، ۱۳۶۷: ۳۶۷). در واقع در این دوران سیاست‌های اداری-اقتصادی دولت به گسترش سریع

شهرهای کوچک و بزرگ و فعالیت‌های شهری انجامید و گسترش بوروکراسی دولتی و تمرکز بیش از پیش تصمیمات اجرایی، فزونی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را در پی داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۲۲). این فرآیند در چند دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی متمرکز بر شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ، همچنان عاملی برای مهاجرت بود. در این دوران افزایش تعداد استان‌های با نرخ رشد منفی جمعیت روستایی روبه فزونی بوده‌اند، که از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵ رسیده است و نشان می‌دهد که این نابرابری نه تنها در حوزه روستا شهری، بلکه در پهنه‌های وسیع‌تر جغرافیایی وجود داشته و تأثیر خود را بر مکان‌گزینی جمعیت گذاشته است. در چند دهه گذشته اگرچه کاهش نسبت جمعیت روستایی کشور از تبدیل روستاهای بزرگ به شهر و ادغام بسیاری از روستاهای اطراف شهرهای بزرگ تأثیر فراوانی پذیرفت، اما همچنان مهاجرت، عامل اصلی این روند به شمار می‌رفت. در این راستا افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ و به دنبال آن کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۸/۷ درصد در سال ۱۳۹۰، نشان دهنده تغییر الگوی سکونت سنتی در ایران است.

۵. پیشینه پژوهش

بیشترین مطالعات انجام شده در خصوص مهاجرت در ایران به موضوعات مختلفی از جمله تحولات آماری مربوط می‌شود که بخش قابل توجهی از آن از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد. در مجموع در برخی از بررسی‌ها مهاجرت در ایران در دو دوره کلی قبل و بعد از اصلاحات ارضی مورد بررسی قرار گرفته است (طالب، ۱۳۶۸: ۱۴). بسیاری از پژوهش‌ها تنها به تحلیل آماری مهاجرت در دوره‌های مختلف آماری با ارائه آمارهای مهاجرتی به تحلیل مهاجرت پرداخته‌اند (محمودی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸). (زنجانی، ۱۳۷۵: ۴۳). در این میان روند مهاجرتی و تحولات مهاجرت به استان تهران مورد توجه بسیاری از بررسی‌ها بوده است (کاظمی پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸) و (قاسمی اردهانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱).

دسته‌ای از پژوهش‌ها به نظریه‌های مربوط به مهاجرت پرداخته‌اند که از جنبه‌های مختلف مسئله را تحلیل نظری کرده‌اند. نظریه لوری و راجرز که به شرایط اجتماعی و اقتصادی مبدا و مقصد مهاجرت توجه دارد، نظریه اورت لی که به عوامل مثبت و منفی و خنثی در مبدأ و مقصد مهاجرت توجه دارند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۲)، نظریه شولتز و سجاستد که متکی بر تحلیل مهاجرت تا سطح روانشناسی افراد مهاجر هستند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۵: ۳)، نظریه کارکرد گرایی (قاسمی اردهانی و دیگران، ۱۳۸۷)، نظریه مهاجرت و توسعه، نظریه دفع و جذب روانشناختی (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۵: ۳ و حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۸)، نظریه استافر و زیف و اشاره به عوامل میانی در مهاجرت، نظریه مدل‌های احتمالاتی مهاجرت هاگن استراند، نظریه افتراق در مهاجرت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۵: ۳)، نظریه اکولوژی شهری (شکویی: ۱۳۷۲: ۱۵ و افروغ: ۱۳۷۷: ۱۲۳)، نظریه شهر و عدالت اجتماعی (با تأکید بر نظریه دیوید هاروی (هاروی: ۱۳۷۹: ۱۰۴)، نظریه نیازهای اساسی (شکویی: ۱۳۷۲: ۳۲۰ و رضوی و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۷)، نظریه تودارو (قاسمی اردهانی و دیگران، ۱۳۸۷)، نظریه سرمایه انسانی (تئوری هزینه-فایده) (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۴۱)، نظریه اقتصادی سیاسی فضا (شکویی: ۱۳۷۶: ۱۰۲ و عظیمی: ۱۳۸۱: ۱۵ و پیران: ۱۳۷۰: ۷۸)، نظریه‌های مدیریت شهری (چیمما و دیگران: ۱۳۷۹: ۱۱ و روزنا: ۱۳۷۹: ۶)، نظریه قطب رشد (پیتر مایر و دیگران: ۱۳۷۶: ۷۸)، مدل دو بخشی لوییس (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۴۱) از جمله این موارد به شمار می‌روند.

ریشه‌یابی و بررسی علل مهاجرت یکی از دسته‌های مطالعه پر دامنه در حوزه مطالعات مهاجرت به شمار می‌رود که در زمینه مهاجرت در ایران بیشتر بر محور مهاجرت روستا شهری و علل آن متمرکز شده است. کم بودن درآمد حاصل از کار کشاورزی نسبت به سایر فعالیت‌های غیر کشاورزی (دهقانان، ۱۳۵۸: ۹)، عدم رضایت از امکان زندگی و درک اختلاف‌های فضایی اعم از اقتصادی-اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی (صراف، ۱۳۸۱: ۷)، عدم ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی روستاها، ادامه اشتغال در بخش کشاورزی و بهره‌وری از زمین به همان شیوه‌های سنتی (زنجانی، ۱۳۶۴: ۶)، تغییر ساختار ارضی و روابط تولیدی حاکم در شهر و روستا یا جریانی با عنوان اصلاحات ارضی (طالب، ۱۳۶۸: ۱۴)، توزیع نامتعادل

فعالیت‌ها (زنجانی، ۱۳۶۹: ۸۰ و زاهدی مازندرانی، ۱۳۶۶: ۵۳)، نبود مراکز جذب نیروی انسانی آماده و حاضر به کار در محل سکونت قبلی جمعیت فعال، شانس پیدا کردن شغل مناسب در شهرها، وجود درآمدهای بالاتر، دسترسی به امکانات بهتر از جمله مدرسه، بیمارستان و ...، پایین بودن درجه تعصب و گروه‌گرایی و آزادی بیشتر در انتخاب ارزش‌ها در شهر (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۴ و آیرملو، ۱۳۶۳: ۸۱ و بنی فاطمه، ۱۳۶۷: ۵۲) عمده‌ترین علل بر شمرده شده در این بررسی‌ها بوده‌اند.

دسته دیگر پژوهش‌های مرتبط با مهاجرت به دسته‌بندی انواع مهاجرت مربوط است. انواع مهاجرت بر اساس انگیزه (اقتصادی، طبیعی، کاری، تحصیلی و غیره)، بعد زمانی (فصلی، دائمی، موقت و غیره)، ابعاد مکانی و مسافت (داخلی، خارجی، روستا شهری و غیره) (Warf, 2006: 301)، دسته‌بندی‌های عمومی از جمله مهاجرت‌های سیاسی، داخلی، نیروی کار بین‌المللی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۶۶: ۵۲)، مهاجرت صاحبان تحصیلات عالی و نیروی متخصص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته (گی هر مه، ۱۳۵۱: ۱۵ و نراقی، ۱۳۴۸: ۱۰۷)، مهاجرت‌های روستا-شهری (اشرفی، ۱۳۶۶: ۴۴)، مهاجرت‌های شهر به شهر، استان به استان (قره نژاد، ۱۳۶۹: ۵۸) و مهاجرت‌های فصلی (ارشاد و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۴) مورد توجه قرار گرفته‌اند.

شناخت اثرات مهاجرت از دیگر دسته‌های پژوهش در این حوزه به شمار می‌رود. تغییرات اجتماعی (آتال، ۱۳۶۴: ۱۰)، بحران مسکن (صراف، ۱۳۸۱: ۲۶۵)، رشد مشاغل غیررسمی، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی و تغییر فرهنگ روستایی (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۵: ۷۲)، بیکاری پنهان، بزهکاری‌های اجتماعی (ایمان، ۱۳۶۸: ۶۳۴ و زمانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳ و اصلانی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۹) از جمله نتایجی است که به آنها اشاره شده است.

۶. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کمی و گردآوری داده‌ها به کمک مطالعات اسنادی انجام گرفته است. در مجموع در این پژوهش از آمارهای رسمی سرشماری نفوس و مسکن در مقاطع سرشماری استفاده شده و از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف برای تحلیل بهره گرفته شده است. آمارها مربوط به دوره‌های سرشماری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ است که تکیه بر تحلیل آمارهای مرتبط به مهاجرت، مکان تولد افراد و آمارهای خام جمعیت کلی و به تفکیک استان بوده است.

۷. بحث و یافته‌ها

در چند دهه گذشته، ایران گذار از یک دوره و ساختار سنتی را به دوره نوین طی کرد و مسیر نوسازی گریزناپذیری را گذراند. توسعه سرمایه‌داری، مدرنیزاسیون، الگوبرداری توسعه از غرب، پیدایش نهادهای بورژوازی و گسترش ناقص آنها، مصرف بیش از تولید کالا بر اثر واردات و ورود نفت به مثابه یک عامل تأثیرگذار هر چه بیشتر شهر را به مرکز تمرکز اقتصاد و سرمایه بدل کرد. شهرها به مراکز اقتصادی با منطق ارزش افزوده بیشتر و تولید و انباشت انبوه

بدل شده و به تدریج جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی آنها افزایش یافت و همراه با افزایش طبیعی جمعیت شهرها، تبدیل نقاط بزرگ روستایی به شهر و مهاجرت روستا به شهر عامل مهمی در فزونی نسبت جمعیت شهری شد.

واقعیت این است که در تحلیل مسئله مهاجرت در ایران و علل و عوامل آن نظریه پردازی پر دامنه‌ای صورت گرفته که عمدتاً بر محور جاذبه‌های شهری و دافعه‌های مناطق روستایی و در مجموع منافع اقتصادی نقاط شهری تکیه دارد. مهاجرت به مفهوم امروزی و با ابعاد کنونی به آرامی از دوره پهلوی نخست آغاز شد. این دوران مصادف با رشد و گسترش روابط سرمایه‌داری و مدرنیزاسیون، همگام با افزایش نقش نفت در اقتصاد سیاسی ایران بود و در این دوره خط‌مشی‌های حکومت در تخته قاپوی عشایر کوچنده تأثیراتی در برداشته است. در دوره پهلوی دوم، همزمان با تحولات سریع صنعتی کشور، اصلاحات ارضی روندهای

جابجایی جمعیت را هرچه بیشتر تقویت کرد. آزادشدن یا کنده شدن نیروی کار از زمین و رواج مبادله نقدی در بین روستاییان و رواج و بسط بازار مصرف و الگوی جدید مصرف در روستا، در پویایی مهاجرت روستاییان به شهر بسیار مؤثر بود. در مجموع آنچه در ایران روی داد، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود که عواید نفت، آن را تسریع کرد؛ به همین شکل تغییرات ساختاری-اقتصادی نیز نه به علت شهرنشینی که به واسطه شهرزدگی بود. هنگامی که کشور در آستانه «دروازه‌های تمدن بزرگ» قرار داشت، سهم کل تولیدات صنعتی (شامل تولیدات دستی روستایی و سنتی) در تولید ناخالص داخلی غیرنفتی ۲۰ درصد بود، در حالی که سهم خدمات ۵۶ درصد بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۲۳).

آمارهای موجود نشان می‌دهد که تحت تأثیر عواملی که اشاره شد، نسبت جمعیت شهری در کشور تا سال ۱۳۳۵ به بیش از ۳۱ درصد رسید و به تدریج نرخ رشد آن شتاب گرفت و تا سال ۱۳۵۵

جدول ۲: جمعیت کل شهری درصد، نرخ رشد جمعیت شهری در هشت دوره سرشماری (۹۰-۱۳۳۵)

ردیف	سال	جمعیت کل	شهری	درصد	نرخ رشد	روستایی	درصد	نرخ رشد
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۵۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۶	
۲	۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۵/۶۷	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۴	۲۰/۹
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۵/۰۲	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳	۱/۱۱
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۹۱	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵/۷	۲/۲۷
۵	۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۰۰۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۷	۳/۳۹	۲۴۹۷۲۶۶۰	۴۳	۲/۲۴
۶	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۲/۹۴	۲۳۲۳۷۴۸۸	۳۸/۷	-۱/۴۳
۷	۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷۴	۲۱۰۴۴۱۱۶	۳۰/۴	-۰/۹۹
۸	۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۱/۳	۲/۱۵	۲۱۴۴۶۷۸۳	۲۸/۷	۰/۳۸

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۹۰-۱۳۳۵.

جدول ۳: بررسی میزان مهاجرت کل و پویایی جمعیتی کشور بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

دوره آماری	کل مهاجرت در کل کشور	درصد مهاجرت سالانه	نرخ رشد
۱۳۵۵-۶۵	۵۸۲۰۶۲۵	٪۱،۴	
۱۳۶۵-۷۵	۸۷۱۸۷۷۰	٪۱،۵	۴،۱۲
۱۳۷۵-۸۵	۱۲۱۴۸۱۴۸	٪۱،۸	۳،۳۷
۱۳۸۵-۹۰	۵۵۳۴۶۶۶	٪۱،۵	-۱۴،۵۵

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۹۰-۱۳۳۵.

به ۴۷ درصد رسید. در مجموع جمعیت شهری در سه دهه پیش از انقلاب تا سال های ابتدایی انقلاب با نرخ بالای پنج درصد افزایش یافت که بالاترین نرخ رشد در تاریخ شهرنشینی ایران به شمار می رود (جدول ۲). این افزایش در زمان قبل از انقلاب معلول سیاست های کل سیستم برنامه ریزی و مدیریت کشور در چارچوب شهرگرایی و صنعتی نمودن کشور به همراه آزاد شدن نیروهای مردمی روستایی از قالب نظام ارباب-رعیتی توأم با افزایش بیکاری ها، فقر، محرومیت و نداشتن زمین مناسب کشت برای بسیاری از روستائین، زمینه مهاجرت های فردی و خانوادگی روستاییان به سمت شهرها و افزایش نرخ رشد جمعیت شهرهای کشور شد (جدول ۳).

همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۰ سیر صعودی افزایش جمعیت شهری و جمعیت روستایی ادامه داشته؛ اگرچه نسبت جمعیت روستایی همواره در حال کاهش بوده است. با این وجود نرخ رشد جمعیت شهری و روستایی در این دوره زمانی نشان می دهد که نرخ رشد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی بسیار بالاتر بوده است (جدول ۲). در این دوره به دلیل بروز جنگ تحمیلی و تخریب بسیاری از روستاهای غرب کشور، سیاست های حمایتی و مشوقی دولت در ارائه زمین شهری و تسهیلات آموزشی بهداشتی به متقاضیان زندگی در شهرها، افزایش موالید و جمعیت در روستاها و در پی آن بالا رفتن نرخ بیکاری و فقر، وقوع خشکسالی به همراه افزایش ارتباطات روستا-شهری و در نتیجه افزایش آگاهی روستائینان از مزیت های زندگی شهری که با تجمع امکانات اجتماعی-اقتصادی و رفاهی معیشتی در این کانون ها همراه بود، خود عاملی مهم در گسترش جریان های مهاجرتی روستاییان به سمت شهرها و بالا رفتن جمعیت شهرهای کشور طی دهه اول بعد از انقلاب گردید. در مجموع درصد مهاجرت سالانه تا سال ۱۳۸۵ رو به افزایش بوده، اما در پنج ساله ۸۵ تا ۹۰ این میزان به نحو چشمگیری کاهش یافته است (جدول ۳).

بررسی داده های جمعیتی چند دهه اخیر واقعیت های جالبی را در زمینه روند مهاجرت نشان می دهد. رقم خام مهاجرت کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ روندی افزایشی داشته است. به نحوی که از رقم پنج میلیون و ۸۲۰ هزار و ۶۲۵ در سال ۱۳۵۵ به میزان ۱۲ میلیون و ۱۴۸ هزار و ۱۴۸ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. واقعیت این است که این سه دهه، اوج تحولات جمعیتی کشور و همراه با به هم خوردن توازن جمعیتی شهری- روستایی و سنگین شدن کفه جمعیتی شهری بوده است. در این دوره زمانی میزان متوسط مهاجرت سالانه جمعیت در سال ۱۳۵۵ به بیش از دو برابر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. چنان که اشاره شد، در دهه ساله ۸۵-۱۳۷۵ بیش از ۱۲ میلیون نفر از محل قبلی زندگی خود به جای دیگر کوچ کردند؛ که از این جمعیت بیش از دو میلیون نفر خاستگاه روستایی خود را ترک کرده و به شهرهای کوچک و بزرگ کشور رفته اند. (جدول ۲) به روشنی نشان می دهد که طی ۵۰ سال گذشته همواره جمعیت روستایی به طور نسبی (در کل جمعیت ایران) کاهش یافته و حتی در دهه ۸۵-۷۵ کاهش مطلق داشته و از ۲۳،۲ میلیون در سال ۱۳۷۵ به ۲۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

در پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ میزان مهاجرت پنج میلیون و ۵۳۴ هزار و ۶۶۶ نفر بوده است که در مقایسه با دوره پیش تا حدی کاهش را نشان می دهد، به طوری که میزان مهاجرت در سال به رقم یک میلیون و ۱۰۶ هزار و ۹۳۳ نفر رسیده است؛ بنابراین دهه ۸۵-۱۳۷۵ را به تعبیری می توان دوران اوج مهاجرت در کشور قلمداد کرد و پنج سال اخیر نیز روند رو به تثبیت و کاهش نسبی مهاجرت آغاز شده است. چنین وضعیتی تا حد زیادی به تثبیت نسبی جمعیت شهری- روستایی باز می گردد که پیشبینی می شود با آهنگی آهسته ادامه یابد. در مجموع نکته قابل توجه در این رابطه روند کاهشی در کل مهاجرت است که گمان می رود در سال های آینده نیز ادامه یابد. اگر وقایع غیرقابل پیشبینی را کنار بگذاریم، کند شدن آهنگ تحولات ساختاری اقتصادی کشور که بر پراکنش و وزن کانون های جمعیتی مؤثر است، عامل اصلی این روند به شمار می رود. در این رابطه نکته قابل توجه روند افزایش جمعیت شهرنشین کشور از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۷۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ است که آن نیز با آهنگی کندتر ادامه خواهد یافت (جدول ۲).

علاوه بر موارد فوق، شاخص درصد مهاجرت از کل جمعیت در سال، نشان دهنده روشن روند افزایشی و سپس کاهشی مهاجرت است. این شاخص در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به طور متوسط ۱/۴ بوده که تا دهه ۸۵-۱۳۷۵ به رقم ۱/۸۶ رسیده است. این رقم پنج ساله به طور متوسط به ۱/۵۲ رسیده که نشان دهنده میزان پایین در دوره ۹۰-۱۳۸۵ است (جدول ۳). البته کاهش چشمگیر این رقم به مفهوم کاهش رقم خالص مهاجرت در کشور نبوده بلکه به معنی کاهش نسبت درصد افراد مهاجر به کل جمعیت در آن دوره بوده است. این در شرایطی است که پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ بالاترین میزان رشد نسبت سهم جمعیت شهری تجربه شده است. به طوری که در هر سال به طور میانگین یک درصد به جمعیت شهری افزوده شده و به ۷۰ درصد کل جمعیت کشور رسیده است.

همانگونه که در جدول ۴ نشان داده شده، سهم مهاجرت های شهری در طول دوره های آماری، در حالی که در ابتدا نیز بالاتر از مهاجرت های روستایی بوده، به تدریج افزایشی قابل توجه داشته است. مهاجرت شهری در دوره ۶۵-۱۳۳۵ بالغ بر ۶۹/۵ درصد از کل مهاجرت را شامل شده، در حالی که این رقم در پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به ۷۷/۷ درصد کل مهاجرت رسیده است. به همین نسبت مهاجرت روستایی در حال کاهش بوده است، به شکلی که در دوره ۶۵-۱۳۵۵ سهم مهاجرت های روستایی از کل مهاجرت کشور ۳۰/۵ درصد بوده و تا دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به میزان حدود ۲۲/۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش به دو مسئله اساسی کاهش چشمگیر سهم جمعیت روستایی کشور و روند تثبیت جمعیت شهری- روستایی کشور در سال های اخیر باز می گردد.

اما در این میان نکته قابل توجه کاهش مهاجرت، در جمعیت شهری کشور است که با شاخص جمعیت مهاجر شهری به کل جمعیت شهری سنجدیده شده است. این شاخص بیانگر نسبت مهاجرت سالانه در میان جمعیت شهرنشین کشور می باشد. در حالی که در دوره ۶۵-۱۳۵۵ نزدیک به میانگین ۱/۹ درصد از جمعیت شهرنشین در سال مهاجرت را تجربه کردند، این میزان

در سال ۸۵-۱۳۷۵ به رقم ۲/۱۲ رسیده و در پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به شکل محسوسی کاهش یافته و به حدود ۱/۷ درصد رسیده است (جدول ۴). این سهم اگر برای یک دهه محاسبه شود، نشان می‌دهد که در دهه ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۲۱ درصد از جمعیت شهرنشین کشور، مهاجرت را تجربه کرده‌اند. این رقم در دوره ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۱۹ درصد، در دهه ۷۵-۱۳۶۵ حدود ۱۹/۲ درصد بوده است. این رقم در پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به پایین‌ترین سطح خود در دوره رسیده، به نحوی که اگر با دوره ۱۰ ساله سنجیده شود، به ۱۷ درصد خواهد رسید.

نکته قابل توجه این است که سهم مهاجرت‌های روستایی به کل جمعیت روستایی نیز با روندی مشابه تا دوره ۸۵-۱۳۷۵ از ۰/۸۸ درصد تا ۱/۳۷ درصد در حال افزایش بوده که آن نیز در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به ۱/۱۳ درصد کاهش یافته است. داده‌های مهاجرتی سه دهه اخیر برای سه شاخص نسبت مهاجرت سالانه کل، نسبت مهاجرت سالانه شهری و نسبت مهاجرت سالانه روستایی به جمعیت روستایی نشان دهنده یک نمودار زنگوله‌ای در دوره ۹۰-۱۳۵۵ دارد که نقطه اوج آن در دوره ۸۵-۱۳۷۵ است. در این رابطه اگرچه رقم خالص مهاجرت سالانه در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ بیشتر از دوره ۷۵-۱۳۶۵ است اما نسبت آن به کل جمعیت مشابه آن دوره است. این در حالی است که شاخص مهاجرت شهری به کل مهاجرت روند افزایشی و شاخص مهاجرت روستایی به کل مهاجرت روند کاهشی داشته است.

اگر داده‌های آماری پنج ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵ از دقت و اعتبار کافی برخوردار باشد، می‌توان گفت که دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ با توجه به تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی تعیین‌کننده همچون گسترش روابط سرمایه‌داری، افزایش نقش نفت در اقتصاد ملی، تمرکز اقتصادی بیشتر در شهر، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و نیز تجربه بالاترین دوره رشد جمعیت کشور، زمینه‌های جابجایی بخش وسیعی از جمعیت کشور فراهم شد. اما جالب اینکه بیشترین مهاجرت‌ها در میان جمعیت کل کشور و جمعیت شهری و روستایی در دهه ۸۵-۱۳۷۵ روی داده است؛ بنابراین عامل تحولات اقتصادی کشور و ژرف شدن تفاوت‌های شهری-روستایی و شهر-شهرعاملی تعیین‌کننده بوده و به نظر می‌رسد در دهه ۸۵-۱۳۷۵ شرایط اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی برای مهاجرت و جابجایی جمعیت مهیاتر بوده است. این در حالی است که در متون چند دهه گذشته بیشترین تأکید بر مهاجرت‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شده است. اگرچه در این دوره به ویژه مهاجرت روستاشهری به مثابه پدیده‌ای نو بسیار مورد توجه قرار گرفت، اما بالاترین نسبت مهاجرت سالانه، شهری و روستایی در تمامی دوره‌های آماری مربوط به دوره آماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بوده است (نمودار ۲).

بررسی داده‌های مهاجرت دهه ۷۵-۸۵ و مقایسه آن با پنج ساله ۸۵-۹۰ چند نکته جالب را نشان می‌دهد. در مهاجرت‌های شهر به شهر فواصل مهاجرتی زیاد و بیشتر مهاجرت‌ها بین استانی بوده

جدول ۴: ویژگی‌های کلی مهاجرت کشور در دوره‌های آماری مختلف.

دوره	کل مهاجرت	مهاجرت به نقاط شهری	مهاجرت به نقاط روستایی	نسبت مهاجرت سالانه به کل جمعیت	نسبت مهاجرت شهری به کل مهاجرت	نسبت مهاجرت روستایی به کل مهاجرت	نسبت مهاجرت روستایی سالانه به جمعیت روستایی
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۵۸۲۰۶۲۵	۴۰۴۲۹۰۲	۱۷۷۷۷۲۳	۱/۴۰	۶۹/۴۶	۱/۸۹	۰/۸۸
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۸۷۱۸۷۷۰	۶۱۲۲۶۷۵	۲۵۹۶۰۹۵	۱/۵۹	۷۰/۲۲	۱/۹۲	۱/۱۳
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۲۱۴۸۱۴۸	۸۹۹۹۷۰۹	۳۱۴۸۴۳۹	۱/۸۶	۷۴/۰۸	۲/۱۲	۱/۳۸
۱۳۸۵-۱۳۹۰	۵۵۳۴۶۶۶	۴۳۰۲۰۸۶	۱۲۳۲۵۸۰	۱/۵۲	۷۷/۷۳	۱/۶۹	۱/۱۳

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۹۰-۱۳۳۵.

نمودار ۲: نسبت مهاجرت سالانه جمعیت در کل و جمعیت شهری و روستایی



جدول ۵: مهاجران وارد شده به نقاط شهری روستایی به تفکیک محل اقامت قبلی در ۱۳۷۵-۱۳۸۵

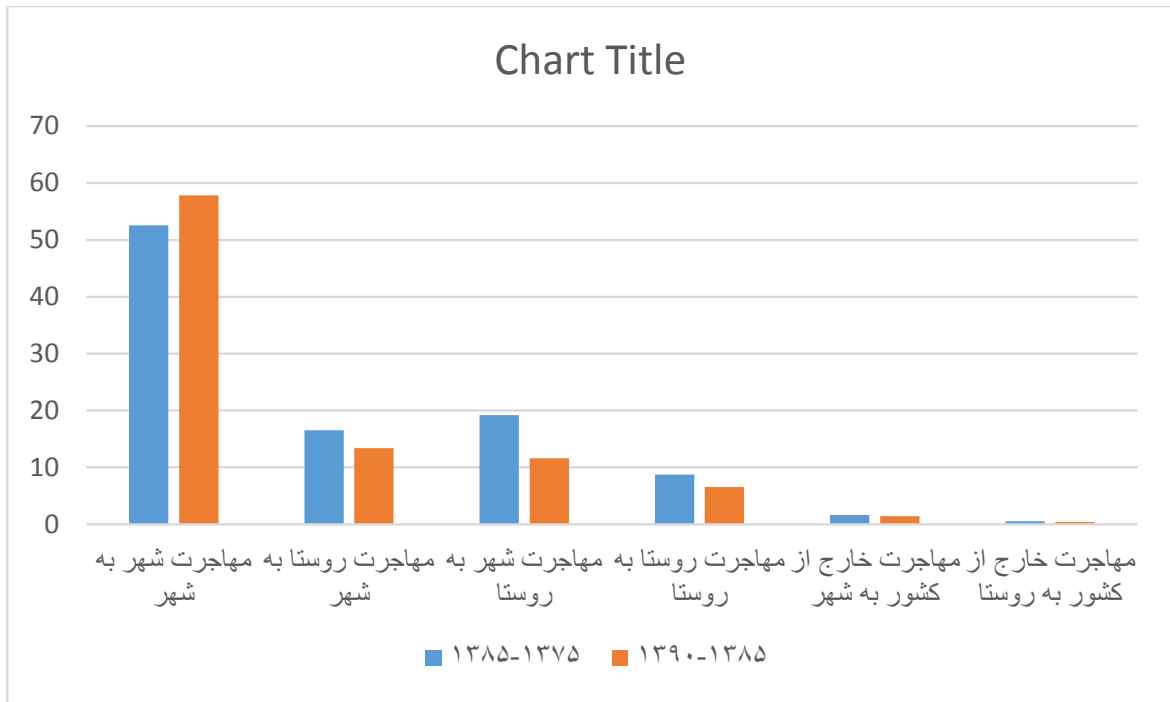
دوره	ساکن در نقاط شهری		ساکن در نقاط روستایی		آخرین محل اقامت قبلی		
	تعداد	درصد از مهاجرت گروه	تعداد	درصد از مهاجرت گروه	شهر	روستا	
۱۳۷۵-۱۳۸۵	995650	15.59	643013	32.09	همین شهرستان	شهر	
	2028369	31.76	521570	26.03	در شهرستان دیگر همین استان		
	3362646	52.65	839429	41.89	استان دیگر		
	6386665	۱۰۰	2004012	۱۰۰	جمع		
	1442307	61.90	817073	76.79	همین شهرستان	روستا	
	432561	18.56	129190	12.14	در شهرستان دیگر همین استان		
	455182	19.54	117780	11.07	استان دیگر		
	2330050	۱۰۰	1064043	۱۰۰	جمع		
جمع کل مهاجران		۸۹۹۹۷۰۹	۳۱۴۸۴۳۹				
۱۳۸۵-۱۳۹۰	۸۷۱۹۶۱	۲۶,۷۶	۲۹۰۵۴۷	38.46	همین شهرستان	شهر	
	۸۱۴۷۶۵	۲۵,۰۰	۱۸۰۲۷۲	23.86	در شهرستان دیگر همین استان		
	۱۵۷۲۳۱۴	۴۸,۲۴	۲۸۴۷۲۷	37.68	استان دیگر		
	۳۲۵۹۰۴۰	100.00	۷۵۵۵۴۶	100.00	جمع		
	۴۸۹۷۹۶	۷۴,۷۵	۳۱۳۰۴۶	84.90	همین شهرستان	روستا	
	۸۰۸۴۷	۱۲,۳۴	۳۱۸۲۰	8.63	در شهرستان دیگر همین استان		
	۸۴۶۰۸	۱۲,۹۱	۲۳۸۴۲	6.47	استان دیگر		
	۶۵۵۲۵۱	100.00	۳۶۸۷۰۸	100.00	جمع		
	جمع کل مهاجران		۴۳۰۲۰۸۶	۱۲۳۲۵۸۰			

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۰-۱۳۷۵.

جدول ۶: تعداد و نسبت انواع مهاجرت در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

نوع مهاجرت	۱۳۸۵-۱۳۷۵		۱۳۹۰-۱۳۸۵	
	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت
مهاجرت شهر به شهر	۶۳۸۶۶۶۵	۵۲,۵۷	۳۲۵۹۰۴۰	۵۷,۸۴
مهاجرت روستا به شهر	۲۰۰۴۰۱۲	۱۶,۵۰	۷۵۵۵۴۶	۱۳,۴۱
مهاجرت شهر به روستا	۲۳۳۰۰۵۰	۱۹,۱۸	۶۵۵۲۵۱	۱۱,۶۳
مهاجرت روستا به روستا	۱۰۶۴۰۴۳	۸,۷۶	۳۶۸۷۰۸	۶,۵۴
مهاجرت خارج از کشور به شهر	۱۹۸۱۵۸	۱,۶۳	۷۸۷۸۹	۱,۴۰
مهاجرت خارج از کشور به روستا	۶۲۳۳۶	۰,۵۱	۲۳۷۳۰	۰,۴۲
کل مهاجرت	۱۲۱۴۸۱۴۸		۵۶۳۴۶۶۶	

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۰-۱۳۷۵.



مهاجرت به مفهوم جابجایی مکان زندگی فرد یا خانوار از اهمیت رو به فزونی برخوردار شده که دارای اشکال و علل گوناگونی است. روشن است که با هر تحول اقتصادی چه رکود و چه رونق، تحول محیطی، سیاسی و یا فرهنگی، زمینه‌های کوچ و جابجایی بخشی از جمعیت فراهم می‌گردد. در ایران دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی ژرفی که از اواخر دوره قاجاریه به تدریج آغاز و در دوره پهلوی اول پایه‌های آن مستحکم و در دوره پهلوی دوم شتاب گرفت، زمینه‌های جابجایی جمعیت در شکل وسیع در پهنه کشور را پدید آورد. این تحولات پس از انقلاب اسلامی همچنان ادامه یافت و توسعه کشور از لحاظ زیرساخت‌ها، آموزش و تحصیلات و اقتصاد شهرهای بزرگ این روند را شتاب داد، به گونه‌ای که ساختار جغرافیایی جمعیت امروزه، به تمام معنا با ساختار سنتی کشور متفاوت شده است.

از دهه ۴۵-۱۳۳۵ هنوز مهاجرت به مثابه پدیده جمعیتی، عمق چندانی نیافته بود. در این دوره زمینه‌های رشد شهرها بر پایه اشتغال صنعت و خدمات در حال تقویت بود و از سویی تحولات مربوط به اصلاحات ارضی و اقتصاد روستا زمینه‌های مهاجرت را تقویت کرد، به نحوی که در چند دهه پس از آن مهاجرت روند نسبتاً آرام، اما رو به افزایشی را طی کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دهه ۸۵-۱۳۷۵ اوج حرکت جمعیتی و مهاجرتی در کشور بوده است. اگرچه مهاجرت روستا-شهری در دو دهه پیش از آن بسیار پررنگ‌تر بود، اما در این دهه حجم مهاجرت همراه با مهاجرت شهر به شهر چشمگیر بوده است. این امر بیشتر ناشی از تحولات اقتصادی و توسعه کشور بوده که پس از جنگ تحمیلی ژرف‌تر از گذشته ادامه یافت. در این دوره سهم جمعیت شهری-روستایی کشور در حال نزدیک شدن به نقطه ثبات است. آمارها نشان می‌دهد که در چند دهه گذشته

است. در دهه ۷۵-۸۵، حدود ۵۲ درصد مهاجرت‌های شهر به شهر بین استانی بوده، در حالی که در پنج ساله بعدی این میزان به ۴۸ درصد کاهش یافته است. در دهه ۷۵-۸۵ تنها ۱۵ درصد از مهاجرت شهر به شهر در داخل شهرستان شکل گرفته، در حالی که در پنج ساله بعد به ۲۶٫۷ افزایش یافته است. بنابراین می‌توان گفت که در پنج ساله ۹۰ مهاجرت‌های شهر به شهر بیشتر به ابعاد فاصله‌ای کم و درون منطقه‌ای متمایل شده‌اند.

در مورد مهاجرت روستا به شهر، در دهه ۷۵-۸۵ در حدود ۶۱٫۹ درصد این نوع مهاجرت در درون شهرستان رخ داده، در حالی که در پنج ساله بعد این میزان با افزایش چشمگیر به حدود ۷۵ درصد رسیده و در مقابل مهاجرت روستایی بین استانی کاهش قابل توجهی داشته است. جالب است که در هر دو دوره مهاجرت شهر به روستا الگوی بین استانی داشته و در هر دو دوره بیشترین میزان مهاجرت روستا به روستا در درون استان و شهرستان شکل گرفته است. در مجموع مهاجرت در پنج ساله ۹۰ ضمن گرایش بیشتر به الگوی شهر به شهر، بیشتر به مهاجرت کوتاه و درون استانی متمایل شده است. آمارها نشان می‌دهد بر خلاف تلاش‌های سیاست‌گذاری، مهاجرت شهر به روستا در مقایسه با دوره قبل کاهش محسوسی داشته است؛ اگرچه از مهاجرت روستا به شهر هم کاسته شده است. لازم به یادآوری است بخش عمده‌ای از تحول میزان مهاجرت روستا به شهر مربوط به کاهش نسبت جمعیت روستایی است.

۸. نتیجه‌گیری

بررسی آمار و داده‌های جمعیتی به خوبی نشان می‌دهد که در چند دهه گذشته جمعیت ایران از نظر پراکنش و مکان جغرافیایی دچار تحول و دگرگونی چشمگیری شده است. در این میان

به تدریج از سهم جمعیت روستایی کاسته شده و نسبت جمعیت شهری افزایش یافته است. در بیشتر کشورهای جهان، بسته به سطح توسعه و ساختار اقتصادی و اجتماعی، این نسبت تا حدود ۷۵ و ۸۰ درصد جمعیت شهری جریان داشته است؛ چنین به نظر می‌رسد که در ایران نیز از این روند گریزی نیست. در مجموع آمارها نشان می‌دهد که روند مهاجرتی کشور به تعبیری جابجایی جمعیت در چند سال اخیر رو به کاهش و تا حدی رو به ثبات بوده است. این روند نمایانگر گذار جامعه از دوران رشد سریع و دگرگونی شتابان اقتصادی و به کنار رفتن شیوه تولید و اقتصاد سنتی است، اما به این معنی نیست که این روند به سطح ثبات کامل رسیده، بلکه مهاجرت تحت تأثیر عوامل نسبی همچنان ادامه خواهد داشت. بدون تردید امروزه نقش تحولاتی چون تحصیلات و دگرگونی پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانوار و فرد در جابجایی و مهاجرت بیش از پیش پررنگ‌تر شده است؛ به طوری که بیشترین نوع مهاجرت مهاجرت‌های شغلی و درآمدی است که ارتباط نزدیکی با شرایط اقتصادی و تحصیلی افراد و عمدتاً سرپرست خانوار دارد. در این میان نقش مهاجرت‌های شهر به شهر مربوط به جابجایی کارمندان دولت، نیروهای انتظامی و ارتشی نباید نادیده گرفته شود که بخش قابل توجهی از مهاجرت‌های بین استانی را تشکیل می‌دهد.

در مهاجرت‌های شهر به شهر فواصل مهاجرتی زیاد و بیشتر مهاجرت‌ها بین استانی بوده است. در ۱۵ سال اخیر میزان مهاجرت‌های شهر به شهر بین استانی به تدریج رو به کاهش بوده و مهاجرت‌های شهر به شهر بیشتر به ابعاد فاصله‌ای کم و درون منطقه‌ای متمایل شده‌اند. مهاجرت روستا به شهر، سهم کمتری از مهاجرت کل را داشته که بیشتر در ابعاد درون شهرستان رخ داده که این الگو فزونی محسوسی در چند ساله اخیر داشته و در مقابل مهاجرت روستا شهری بین استانی کاهش قابل توجهی داشته است. جالب است که در هر دو دوره مهاجرت شهر به روستا الگوی بین استانی داشته و در هر دو دوره بیشترین میزان مهاجرت روستا به روستا در درون استان و شهرستان شکل گرفته است. در مجموع مهاجرت در سال‌های اخیر ضمن گرایش بیشتر به الگوی شهر به شهر، بیشتر به مهاجرت کوتاه و درون استانی متمایل شده است. در مجموع در چند دهه گذشته به تدریج مهاجرت روستا به شهر کاهش یافته و دیگر الگوی اصلی مهاجرت به شمار نمی‌رود. این الگو از ۲۶ درصد در دهه ۵۵-۶۵، به ۱۱،۸۴ درصد در پنج ساله ۸۵-۹۰ رسید. با توجه به افزایش جمعیت و تعداد شهرها، مهاجرت شهر به شهر در حال افزایش و تبدیل به الگوی مسلط مهاجرت است و امروزه الگوی اصلی مهاجرت کشور به شمار می‌رود. مهاجرت شهر به شهر اکنون با بیش از ۵۸ درصد بالاترین نوع مهاجرت و الگوی مسلط به شمار می‌رود.

این پژوهش با تحلیل آمارهای جمعیتی و مهاجرتی کشور در چند دهه اخیر، نشان داد که الگوی مهاجرتی روستا-شهر به عنوان الگوی مسلط مهاجرت، در حال حاضر جای خود را به الگوی مهاجرت شهر-شهر داده است. بر این اساس نظام برنامه‌ریزی نیازمند تغییر نگرش اساسی در برخورد با مهاجرت می‌باشد. نظام

برنامه‌ریزی که هنوز پایه‌های فکری آن بر باورهایی چون توقف مهاجرت‌های روستایی، بازگشت مجدد روستاییان از شهر به روستا، توسعه همه جانبه روستا به عنوان اهرمی برای جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی و ... برای نجات شهرها استوار است؛ در حالی که موضوع اصلی که در این میان نادیده شده و نقش اصلی را بر عهده دارد، موضوعی فراتر از مهاجرت‌های روستا-شهری است. در حقیقت نظام برنامه‌ریزی باید به این نکته توجه کند که در آینده نقاط جمعیتی با توجه به توان، سطح اقتصادی و رقابت پذیری، مقصد و مبدأ اصلی مهاجرت هستند. شهرها در رقابتی تنگاتنگ جمعیت سایر شهرها را جذب و به سود دیگر شهرها جمعیت خود را از دست می‌دهند. مهم‌ترین مسئله امروز، مهاجرت روستا به شهر نیست؛ بلکه الگوی سلسله مراتبی مهاجرت است که در مکان‌های کوچک به سمت مکان‌های بزرگتر جریان دارد؛ و در آینده مکان‌های کوچک بدون داشتن توان و مزیت نسبی به تدریج تخلیه شده و در مکان‌های دارای توان مناسب‌تر متمرکز می‌شوند. بدون تردید جمعیت همچون ماده سیال با توجه به ظرفیت مکان، جابجایی خود را ادامه می‌دهد و بیش از هر زمانی زمینه‌ها و تسهیلات این جابجایی فراهم است.

منابع:

۱. ارشاد، فرهنگ و مینا، صدف (۱۳۸۹)، مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن، مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
۲. اشرفی، محسن (۱۳۶۶)، جستجوی نان، محرک بنیانی مهاجرت در جهان، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱، شهریور ۱۳۶۶.
۳. اصلانی، محبتی (۱۳۸۵)، بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی (با تأکید بر مهاجرت داخلی به تهران)، فصلنامه جمعیت، شماره ۵۵-۵۶.
۴. افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن»، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
۵. ایمان، محمدتقی (۱۳۶۸)، مهاجرت در کشورهای جهان سوم، فصلنامه جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۸۶ و ۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۶۸.
۶. آنال، یوگش (۱۳۶۴)، جاذبه‌های شهری اثرات مهاجرت روستائیان به شهرها، ماهنامه پیام یونسکو، شماره ۱۸۵، مهر ۱۳۶۴.
۷. آیرملو، رضا (۱۳۶۳)، مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران بخش ۲، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره شماره ۱۳۳، پاییز ۱۳۶۳.
۸. بن دیوید وال، آورم (۱۳۷۴)، برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی، ترجمه عباس حکیمی، وزارت جهاد سازندگی.
۹. بنی‌فاطمه، حسین (۱۳۶۷)، بیکاری و مهاجرت، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۳، بهار ۱۳۶۷.

۱۰. بیتیه، ژان (۱۳۶۹)، مهاجرت روستاییان، ترجمه محمد مومنی کاشی، انتشارات قلم.
۱۱. پیران، پرویز (۱۳۷۰)، دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی و شهرنشینی قسمت هفتم: مکتب اقتصاد سیاسی فضا، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۵۲ و ۵۱، آذر و دی ۱۳۷۰.
۱۲. تامینا، اس. و وای. هایاشی (۱۳۸۶)، تجزیه و تحلیل فاصله‌ای (فضائی) تمرکز و عدم تمرکز در شبکه مهاجرت جمعیت، ترجمه ایرج حسن لاریجانی، در فصلنامه جمعیت شماره ۶۱-۶۲.
۱۳. تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: مصطفی سرمدی و پروین رئیس‌فرید، انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ۱۳۶۷.
۱۴. چیمما، شایبر و وارد، ساندر (۱۳۷۹)، مدیریت شهر، خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی و احمد صیفوری، سازمان شرکت و پردازش برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول ۱۳۷۹.
۱۵. حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵)، سیری در نظریه‌های مهاجرت، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۵.
۱۶. حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری (۱۳۷۵)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه.
۱۷. دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۵)، راز سرمایه، ترجمه دکتر فریدون تفضلی، نشرنی.
۱۸. دهقانیان، سیاوش (۱۳۵۸)، بررسی علل مهاجرت روستائیان، فصلنامه محیط شناسی، شماره ۹، خرداد ۱۳۵۸.
۱۹. رضوی، حسن و رحیمی، محمد (۱۳۷۷)، سیر تحول نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات مرکز تحقیقات روستایی وزارت کشاورزی، تهران، ۱۳۷۷.
۲۰. رورنا، ادموندو (۱۳۷۹)، مدیریت توسعه شهری یا توسعه مدیریت شهری، ترجمه جلال تبریزی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.
۲۱. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۵)، نظریه‌ای در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره ۱، پاییز ۱۳۶۵.
۲۲. زاهدی مازندرانی، محمدجواد و حسینی کازرونی، محمدرضا و درویشی، کریم (۱۳۶۶)، پویای مهاجرت در جهان معاصر، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳، آبان ۱۳۶۶.
۲۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد و حسینی کازرونی، محمدرضا و درویشی، کریم (۱۳۶۶)، نگرشی نو به مهاجرت داخلی در ایران (۱): مهاجرت روستایی و روند یکصد ساله اخیر آن در ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱، شهریور ۱۳۶۶.
۲۴. زمانی، فریبا (۱۳۸۸)، اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹ و ۷۰.

۲۵. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۶۴)، روش‌های بررسی مهاجرت و جابجایی‌های جمعیت، فصلنامه گزیده مطالب آماری، شماره ۷، آذر ۱۳۶۴.
۲۶. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۶۹)، جمعیت ایران تا سال ۱۳۹۰ و چگونگی توزیع آن در سطح کشور، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۱ و ۴۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.
۲۷. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۵)، مطالعه پدیده عظیم مهاجرت‌ها یک الزام است، ماهنامه گزارش، شماره ۶۹، آبان ۱۳۷۵.
۲۸. سجادی، ژیللا، ابراهیم‌زاده، عیسی و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی-شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۹۰.
۲۹. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۵)، مروری بر فلسفه مهاجرت‌های انسانی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، تابستان ۱۳۶۵.
۳۰. سوداگر، محمد (۱۳۶۷)، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، نشر شعله.
۳۱. شکویی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۳۲. شکویی، حسین (۱۳۷۶)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد ۱، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۶.
۳۳. صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری، در فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۱.
۳۴. طالب، مهدی (۱۳۶۸)، عوامل مؤثر در مهاجرت روستایی در ایران، ماهنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۸.
۳۵. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱)، بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، مجله مدرس، شماره ۲، تابستان.
۳۶. عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، مهاجرت از روستا به شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۱.
۳۷. قاسمی اردهائی، علی و علی حسینی راد (۱۳۸۷)، جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران، بهار ۱۳۸۷.
۳۸. قدیری معصوم، مجتبی و جهان محمدی فیروز، غلام (۱۳۸۷)، نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا-شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷.
۳۹. قره نژاد، حسین (۱۳۶۹)، کاهش زمینه‌های مهاجرت در اثر فعالیت‌های صنعتی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۶۹.
۴۰. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، نشر مرکز.
۴۱. کاستللو، وینست فرانسسیس (۱۳۷۱)، شهرنشینی در

- خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشرنی.
۴۲. کاظمی پور، شهلا و حاجیان، امیر (۱۳۹۰)، ایجاد نخستین کلانشهر واقعی ایران در مجموعه شهری تهران: با تأکید بر سهم مهاجرت، ماهنامه جمعیت، شماره ۷۵ و ۷۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۴۳. گی هرمه (۱۳۵۱)، مهاجرت مغزها، ترجمه خلیل هراتی، ماهنامه نگین، شماره ۹۱، آذر ۱۳۵۱.
۴۴. لهسانی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، انتشارات نوید.
۴۵. مایر، جرالدماروین و سیرز، دادلی (۱۳۷۶)، پیشگامان توسعه: پیتر بائر، کالین کلارک، آلبرت ا. هیرشمن، سرآرتور لوئیس، گونا میردال، راثول پریش، پال روزنشتاین - رودان، والت، ترجمه سید علیاصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۴۶. محمودی، محمدجواد، مشفق، محمود و کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۹)، تحلیل سیستمی جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی ایران طی دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵، ماهنامه جمعیت، شماره ۷۳ و ۷۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۴۷. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال های ۹۰-۱۳۳۵.
۴۸. نراقی، احسان (۱۳۴۸)، مهاجرت استادان و محققان از کشورهای جهان سوم، فصلنامه نامه علوم اجتماعی دوره قدیم، شماره ۳، زمستان ۱۳۴۸.
۴۹. هاروی، دیوید (۱۳۷۹)، شهر و عدالت اجتماعی، مترجم: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی زاده، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، ۱۳۷۹.
50. Deshingkar, Priya, Natali, Claudia (2008), Internal migration, world migration report 2008, chapter7
51. Li, BINGQIN, DUDA, MARK (2010), Employers as landlords for rural-to urban migrants in Chinese cities, Environment & Urbanization 22.
52. Lynch, Kenneth (2005), Rural-Urban Interaction in the Developing World
53. Martinez, Javier, Mboupb, Gora, Sliuzasa, Richard, Stein, Alfred (2008), Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990-2003, Habitat .
54. Parnwell, mike (1993), Population movements and the third world, Taylor & Francis Group
55. Seabrook, Jeremy (2007), cities و Small_Guides_to_Big_Issues, Pluto Press.
56. UN-Habitat (2011), Population distribution, urbanization, internal migration and development : an international perspective, UN department of economic and social affairs.
57. UN-Habitat (2003) THE CHALLENGE OF SLUMS,